



دانشگاه تبریز
دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته برنامه ریزی درسی

عنوان:

بررسی رابطه توانایی حل مسئله علمی بامهارت‌های زندگی (تفکر خلاق، حل مسئله و تصمیم‌گیری) دانشجویان دانشگاه تبریز

استاد راهنما

دکتر یوسف ادیب

استاد مشاور

دکتر اسکندر فتحی‌آذر

پژوهشگر

ناهیده صادقی‌پور

شهریور ۱۳۹۰



نام و نام خانوادگی: صادقپور	نام: ناهیده
عنوان پایان نامه: بررسی رابطه توانایی حل مسئله علمی با مهارت های زندگی (تفکر خلاق، حل مسئله و تصمیم گیری) دانشجویان دانشگاه تبریز.	
استاد راهنما: دکتر یوسف ادیب	استاد مشاور: دکتر اسکندر فتحی آذر
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: علوم تربیتی دانشگاه: تبریز تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۹۰/۶/۱۹	گرایش: برنامه ریزی درسی دانشکده: علوم تربیتی و روانشناسی تعداد صفحه: ۱۱۰
کلید واژه ها: توانایی حل مسئله علمی، مهارت های زندگی، تفکر خلاق، حل مسئله، تصمیم گیری.	
<p>چکیده: پژوهش حاضر به بررسی رابطه توانایی حل مسئله علمی با مهارت های زندگی (تفکر خلاق، حل مسئله و تصمیم گیری) دانشجویان دانشگاه تبریز پرداخته است. روش تحقیق حاضر روش توصیفی از نوع همبستگی می باشد. در جمع آوری اطلاعات از ابزار اندازه گیری پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر در چهار گروه آموزشی عمده، علوم پایه، فنی مهندسی، کشاورزی و علوم انسانی دانشگاه تبریز ورودی های سال ۸۷ و ۸۶ می باشد که تعدادشان ۶۷۶۷ نفر می باشند. جهت تعیین حجم نمونه آماری از جدول کوکران استفاده شده است که این تعداد شامل ۳۸۱ نفر (۲۱۳ دختر و ۱۶۸ پسر) می باشد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و استنباطی (همبستگی و MANOVA) استفاده شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان داد که بین توانایی حل مسئله دانشجویان با مهارت حل مسئله زندگی، مهارت زندگی تفکر خلاق و مهارت زندگی تصمیم گیری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین میانگین نمرات دانشجویان در متغیرهای مهارت های زندگی (تفکر خلاق، تصمیم گیری، حل مسئله) و توانایی حل مسئله علمی بر اساس جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین بین میانگین نمرات دانشجویان در متغیرهای حل مسئله علمی و تصمیم گیری بر اساس رشته های تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد در حالی که در متغیرهای تفکر خلاق و حل مسئله زندگی تفاوت معنادار دیده نمی شود.</p>	

تقدیم به:

اسطوره‌های زندگیم، پناه خشکیم و امید بودیم

پدر و مادر عزیزم

تقدیر و شکر:

اکنون که به لطف خداوند مهربان نگارش این پایان نامه به اتمام رسیده است، بر خود واجب می دانم از زحمات صادقانه استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر یوسف ادیب که همواره با رویی گشاده مرا در انجام این پژوهش راهنمایی نمودند، شکر و قدردانی نمایم.

از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر اسکندر فتحی آذ در مقام استاد مشاور که سگیایی و رفارشان همگی نشان از فرزادگی ایشان دارد، کمال سپاس را دارم.

همچنین از استاد کرامتدارم جناب آقای دکتر رحیم بدری به جهت داوری این پایان نامه کمال تقدیر و شکر را دارم.

فهرست مطالب

فصل اول (کلیات تحقیق)

۱	مقدمه.....
۳	بیان مسئله.....
۶	اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۸	اهداف پژوهش.....
۹	سئوالات پژوهشی.....
۹	تعاریف مفهومی و عملیاتی.....

فصل دوم (مبانی نظری و پیشینه پژوهش)

۱۲	مقدمه.....
۱۲	پیشینه نظری پژوهش.....
۱۸	مبانی نظری حل مسئله.....
۲۰	مراحل حل مسئله.....
۲۲	تفاوت مسئله و سؤال.....
۲۳	انواع مسئله.....
۲۵	شیوه‌های مختلف حل مسئله.....
۲۶	راهبردهای حل مسئله.....
۲۷	فرآیند حل مسئله.....
۲۸	مهارتهای اساسی در حل مسئله.....
۲۹	عوامل بازدارنده حل مسئله.....

۳۰	حل مسئله و آموزش و پرورش
۳۱	حل مسئله و برنامه درسی فرآیند محور
۳۲	مبانی فلسفی برنامه درسی فرآیند محور
۳۳	نظریه دیسپلین محور و انتقال یادگیری
۳۳	اهداف آموزش حل مسئله
۳۴	حل مسئله و تفکر منطقی
۳۵	فرآیند حل مسئله به عنوان روش تدریس
۳۷	یادگیری مسئله محوری
۳۷	ریشه‌های تاریخی یادگیری مسئله محوری
۳۹	حل مسئله و زندگی واقعی
۴۰	پیشینه نظری مهارت‌های زندگی
۴۰	مفهوم و تعریف مهارت‌های زندگی
۴۴	مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی
۵۴	کاربرد مهارت‌های زندگی
۵۵	آموزش مهارت‌های زندگی
۵۵	برنامه‌ی درسی مهارت‌های زندگی و ساختار آن
۵۷	انواع سازماندهی تلفیقی الگوی برنامه درسی مهارت‌های زندگی
۵۹	تاریخچه آموزش مهارت‌های زندگی
۶۰	روش‌های آموزش مهارت‌های زندگی

تئوری‌های برنامه درسی مرتبط با آموزش مهارت‌های زندگی..... ۶۱

پیشینه تجربی پژوهش ۶۳

پژوهش‌های داخلی ۶۳

پژوهش‌های خارجی ۶۶

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۷۳

فصل سوم (روش‌شناسی تحقیق)

مقدمه ۷۵

جامعه آماری ۷۵

روش نمونه‌گیری و نمونه آماری ۷۶

روش تحقیق ۷۷

ابزار گردآوری اطلاعات ۷۷

روایی ابزارهای اندازه‌گیری ۷۸

پایایی ابزارهای اندازه‌گیری..... ۷۹

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها ۷۹

فصل چهارم (تجزیه و تحلیل داده‌ها)

مقدمه ۸۰

توصیف آماری متغیرهای پژوهش ۸۰

یافته‌های استنباطی پژوهش ۸۲

سؤال اول پژوهش ۸۲

سؤال دوم پژوهش ۸۳

سؤال سوم پژوهش ۸۳

سؤال چهارم پژوهش ۸۴

سؤال پنجم پژوهش ۸۶

فصل پنجم (بحث و نتیجه گیری)

مقدمه ۸۹

بررسی سئوالات پژوهش ۸۹

سؤال پژوهشی اول ۸۹

سؤال پژوهشی دوم ۹۰

سؤال پژوهشی سوم ۹۱

سؤال پژوهشی چهارم ۹۳

سؤال پژوهشی پنجم ۹۳

محدودیت های تحقیق ۹۴

پیشنهاد های تحقیق ۹۵

منابع ۱۰۱

ضمائم ۱۱۱

فهرست جداول

صفحه

۷۶	جدول ۳-۱ تعداد دانشجویان دانشگاه تبریز در گروه های عمده آموزشی
۷۷	جدول ۳-۲ نمونه آماری در گروه های عمده آموزشی
۸۰	جدول ۴-۱ شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش بر حسب جنسیت
۸۱	جدول ۴-۲ شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش بر حسب رشته تحصیلی
۸۲	جدول ۴-۳ نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین رابطه توانایی حل مسئله علمی با مهارت حل مسئله زندگی
۸۳	جدول ۴-۴ نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین رابطه توانایی حل مسئله علمی با مهارت زندگی تصمیم گیری
۸۳	جدول ۴-۵ نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین رابطه توانایی حل مسئله علمی با مهارت زندگی تفکر خلاق
۸۴	جدول ۴-۶ آزمون همگنی ماتریس های کواریانس باکس
	جدول ۴-۷ تحلیل چند متغیری بر روی نمرات مهارت های زندگی (تفکر خلاق، حل مسئله و تصمیم گیری) و توانایی حل مسئله علمی با در نظر گرفتن جنسیت به عنوان متغیر مستقل براساس آماره ویلکز لامبدا
۸۵	جدول ۴-۸ تحلیل واریانس چند متغیره برای مقایسه میانگین نمرات مهارت های زندگی (حل مسئله، تصمیم گیری، تفکر خلاق) و توانایی حل مسئله علمی دانشجویان دختر و پسر
۸۶	جدول ۴-۹ آزمون همگنی ماتریس های کواریانس باکس
	جدول ۴-۱۰ تحلیل چند متغیری بر روی نمرات مهارت های زندگی با در نظر گرفتن رشته های تحصیلی به عنوان متغیر مستقل براساس آماره ویلکز لامبدا
۸۷	جدول ۴-۱۱ تحلیل واریانس سه راهه برای مقایسه میانگین نمرات مهارت های زندگی (حل مسئله، تصمیم گیری، تفکر خلاق) و توانایی حل مسئله دانشجویان در رشته های تحصیلی مختلف
	جدول ۴-۱۲ آزمون تعقیبی شفه برای مقایسه دو به دو میانگین نمرات حل مسئله علمی و تصمیم گیری در رشته های تحصیلی مختلف

فصل اول

کلیات و طرح پژوهش

اندیشه و تفکر از ویژگی های برجسته آدمی است. انسان می اندیشد، از اندیشه دیگران سود می برد و حاصل اندیشه خویش را به دیگران منتقل می سازد. در عصر حاضر این امر پذیرفته شده که جوامع پیشرو و موفق جوامعی هستند که مردم آنها بهتر فکر می کنند، در هنگام برخورد با مسائل بهتر می اندیشند، راه حل های بهتری ارائه می دهند و با شیوه های موفقیت آمیز بر مسائل فائق می آیند. ایجاد شرایط مطلوب برای اندیشیدن، تحریک، تشویق و راهنمایی یادگیرندگان برای کسب مهارت صحیح تفکر و اندیشه در فرآیند تدریس و یادگیری امری گریزناپذیر است. زیرا در هر جامعه ای تحولات و تغییرات سریع و فزاینده ای رخ می دهد که اگر نظام آموزش و پرورش نتواند توانایی حل مسائل ناشی از آنها را به یادگیرندگان خویش بیاموزد، به موفقیت جامعه آسیب رسانده است. بدین ترتیب در فرآیند یادگیری باید ایجاد توانایی اندیشه و تفکر و حل مسئله در یادگیرندگان را محور اصلی کار قرار داد. گانه معتقد است که محور تعلیم و تربیت، آموزش تفکر به افراد، استفاده از توانایی های ذهنی و پرورش افرادی توانا در حل مسئله می باشد. حل مسئله در فرآیند تدریس و یادگیری فرصتی گرانبها در اختیار یادگیرندگان می گذارد، زیرا این رویکرد آنان را در موقعیتی سازنده برای تفکر، درک و شناخت منطقی پدیده های عینی و ذهنی قرار می دهد تا بیاموزد در موقعیت های زندگی فردی و اجتماعی، چگونه این تجارب را برای حل مسئله به کار گیرند (آزاد مرد، ۱۳۷۹).

افراد در برخورد با مشکلات در هر سطحی از پیچیدگی و اهمیت که باشد، با هم تفاوت هایی دارند اما اغلب افراد برای مقابله با این مشکلات از روش ها و فنون خاص بهره می برند. حل مسئله یک راهبرد مقابله ای مهمی است که می تواند فرد را قادر سازد تا موقعیت های مشکل آفرین زندگی روزمره و تأثیر هیجانی آنها را به خوبی مهار کند. حل مسئله روشی است که افراد می توانند برای برخورد با چالش های زندگی از آن استفاده نمایند. حل مسئله مستلزم

راهبردهای هدفمند و ویژه ای است که فرد به وسیله ی آن مشکلات را تعریف می کند، تصمیم به اتخاذ راه حل می - گیرد، راهبردهای حل مسئله را انجام داده و بر آن نظارت می کند (آزاد مرد، ۱۳۷۹).

امروزه علی رغم ایجاد تغییرات عمیق فرهنگی و تغییر در شیوه های زندگی، بسیاری از افراد در رویارویی با مشکلات زندگی فاقد توانایی های لازم و اساسی هستند و همین امر آنان را در مواجهه با مشکلات و مقتضیات زندگی آسیب - پذیر نموده و در معرض انواع اختلالات روانی اجتماعی و رفتاری قرار می دهد. روانشناسان در دهه های اخیر، در بررسی اختلالات رفتاری و انحرافات اجتماعی، به این نتیجه رسیده اند که بسیاری از اختلالات و آسیب ها در ناتوانی افراد در تحلیل صحیح و مناسب از خود و موقعیت خویش، عدم احساس کنترل و کفایت شخصی جهت رویارویی با موقعیت های دشوار و عدم آمادگی برای حل مشکلات و مسائل زندگی به شیوه مناسب، ریشه دارد بنابراین با توجه به تغییرات و پیچیدگی های روزافزون جامعه و گسترش روابط اجتماعی، آماده سازی افراد جهت رویارویی با موقعیت های دشوار امری ضروری به نظر می رسد، در همین راستا، روانشناسان با حمایت سازمان های ملی و بین - المللی، جهت پیشگیری از بیماری های روانی و نابه هنجاری های اجتماعی، آموزش مهارت های زندگی را در سراسر جهان آغاز نموده اند. کنار آمدن با فشارهای زندگی و کسب مهارت های فردی و اجتماعی، همواره بخشی از واقعیت زندگی انسان بوده و در ادوار متفاوت زندگی او به اشکال گوناگون تجلی یافته است (فصیحی، ۱۳۸۷). به عبارت دیگر در دنیای کنونی هزاره سوم که تکنولوژی به سرعت در حال پیشرفت است و هر لحظه بر اطلاعات انسان ها افزوده می شود به نظر می رسد این دانش افزایشی در بیشتر موارد باعث تنیدگی هایی در زندگی بشر می گردد و چون نمی توان به طور کلی از تنیدگیها دور شد، بایستی راه های مقابله با آنها را آموخت (خنifer و پورحسینی، ۱۳۸۵).

توانایی فرد برای حل مسائل بزرگ و کوچک پایه ای برای موفقیت در زندگی است . بر طبق گزارش شین (۲۰۰۴)، جهان به شدت در حال گسترش و پیچیده شدن است . به علت رشد جمعیت، پیشرفت های تکنولوژیک، تخریب محیط

زیست و مهاجرت، امروزه جوانان نیاز دارند یاد بگیرند که چگونه با مشکلات متعدد روبرو شوند . داشتن توانایی حل مسئله ما را برای رسیدن به این موفقیت یاری می رساند(الکساندر^۱، ۲۰۰۷).

از آنجا که دانشجویان بخش اعظمی از جامعه جوان ما را تشکیل می دهند ونقش عظیمی در بنای جامعه سالم در آینده دارند و به دلیل اینکه این افراد در طول تحصیلات خود با حل مسئله آشنایی دارند انتظار می رود با توان و پتانسیل های بالاتری با مسائلی برخورد نماید و با اطلاعاتی که در زمینه های مختلف دریافت می نماید، به طور مؤثر و کاربردی در جهت حل مشکلات خود در زندگی گام بردارند . این امر مستلزم "مهارت های زندگی" است(دهقانی زاده، ۱۳۸۴). مهارت های زندگی مهارت هایی هستند که برای افزایش توانایی های روانی اجتماعی افراد آموزش داده می شوند و فرد را قادر می سازند که به طور مؤثر با مقتضیات و کشمکش های زندگی روبه رو شود. آموزش مهارت های زندگی فرد را برای غلبه بر مشکلات زندگی پیش رو که خواست فرد و جامعه است آماده می کند. منظور از مهارت های زندگی آن نوع توانایی های شناختی، عاطفی و عملی است که برای موفقیت و احساس شادمانی در زندگی روزمره معمولی و عادی مورد نیاز می باشد. و اهداف آموزش این نوع مهارت ها از الزامات و نیازهای روزمره زندگی استخراج می گردد(ادیب، ۱۳۸۲).

بیان مسئله

آمادگی برای مواجهه مؤثر با مسائل روزمره زندگی از اهداف اصلی آموزش مهارت های زندگی است . به همان خاطر امروزه بخشی از برنامه های درسی رسمی مدارس به آموزش مهارت های زندگی اختصاص یافته است . از مهارت های زندگی تقسیم بندیهای گوناگون ارائه شده است که در اکثر آنها مهارت های حل مسئله، تفکر خلاق و تصمیم گیری تحت عنوان مهارت های تفکر پیچیده مطرح شده اند(ادیب، ۱۳۸۲). منظور از مهارت زندگی حل مسئله

¹-Alexander

عبارت است از تعریف دقیق مشکلی که فرد با آن روبروست، شناسایی و بررسی راه حل های موجود و برگزیدن و اجرای راه حل مناسب. حل مسئله فرد را قادر می سازد که به طور سازنده با مشکلات زندگی خود مواجه شود. منظور از مهارت زندگی تصمیم گیری این است که افراد می آموزند تصمیم گیری چیست و چه اهمیتی دارد. آنها همچنین مراحل یک تصمیم گیری را گام به گام تمرین می کند. در مهارت زندگی تفکر خلاق افراد یاد می گیرند که به شیوه های متفاوت بیاندیشند و از تجربه های متعارف و معمولی خویش فراتر رفته راه حل هایی را خلق نمایند که خاص و ویژه خودشان است (تابان و همکاران، ۱۳۸۸). همه ی این مهارت ها در چهارچوب زندگی روزمره مفهوم پیدا می کنند. این مهارت ها به ویژه حل مسئله در حوزه های گوناگون علمی نیز مطرح هستند و از عناصر اصلی آنها محسوب می شوند. شوآب ساختار رشته های علمی را به دو نوع ساختار مفهومی و روشی تقسیم می کند. ساختار روشی به فرآیندهای تولید علم در آن حوزه خصوصاً حل مسئله تأکید دارد. لذا از نظر طرفداران نظریه دیسپلین محور برنامه ی درسی از جمله برونر و شوآب آموزش ساختار روشی در بستر هر یک از رشته های علمی امکان انتقال آنها را به سایر حوزه ها از جمله زندگی روزمره نیز ممکن می سازد. به طوری که در دیدگاه شناختی برنامه درسی آموزش مهارت تفکر به طور مجزا با این فرض که این مهارت ها در همه زمینه ها از جمله زندگی دارای کاربرد است به عنوان کانون اصلی برنامه های درسی مد نظر قرار گرفته است. برای مثال رابینسون به طراحی برنامه درسی «آموزش تفکر» پرداخته است و معتقد است که آموزش آنها، امکان دستیابی فراگیران به فرآیندهای تفکر و حل مسئله را در همه حوزه ها میسر می سازد (میلر، ۱۳۸۳). جان دیوئی حل مسئله را بهترین روش آموزشی می داند و معتقد است که توانایی حل مسئله افراد را برای مواجهه با شرایط در حال تغییر آینده آماده می کند. از نظر جان دیوئی فرآیند حل مسئله همان فرآیند تفکر است و بایستی در آموزش و پرورش هم به عنوان هدف و هم به عنوان وسیله مورد توجه قرار گیرد (شریعتمداری، ۱۳۸۷). با این فرضیات به نظر می رسد که بین توانایی حل مسئله افراد در

رشته‌های علمی بامهارت‌های تفکر پیچیده زندگی از جمله حل مسئله، تصمیم‌گیری و تفکر خلاق ارتباط وجود داشته باشد. در همان راستا دو نظر در خصوص شیوه آموزش مهارت تفکر پیچیده از جمله حل مسئله جهت کاربرد در مسائل زندگی وجود دارد. یک نظر بر این تأکید دارد که بایستی مهارت‌های زندگی از جمله مهارت‌های تفکر به طور مستقل و در قالب برنامه‌های ویژه آموزش مهارت‌های زندگی به مخاطبین آموزش داده شود. این نظریه طرفداران بیشتری دارد و بیشتر روانشناسان از آن حمایت می‌کنند. از طرف دیگر به اعتقاد برخی از متخصصان تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزان درسی اگر فراگیران در حوزه‌های محتوایی مستقل مثلاً ریاضیات، علوم و ... مهارت‌های حل مسئله را یاد گرفته و به کار گیرند، می‌توانند آنها را از طریق انتقال یادگیری به حل مسئله زندگی هم تعمیم دهند (ادیب، ۱۳۸۲). محتوای برنامه درسی مهارت‌های زندگی دارای دو بخش «مهارت‌های مشترک» و «مهارت‌های غیر مشترک یا خاص» مربوط به زندگی روزمره می‌باشند. مهارت‌های مشترک آن نوع مهارت‌هایی هستند که ضمن اینکه می‌توانند به صورت مستقل و در بستر مسائل زندگی روزمره آموزش داده شوند می‌توانند در دروس دیگر نیز ارائه گردند یا آموزش داده شوند. در این صورت آموزش این مهارت‌ها از طریق دروس دیگر، جزء کارکردهای ثانوی آن محسوب می‌شود. به عبارت دیگر این مهارت‌ها جزء قابلیت‌های فرآیندی هستند و در همه دروس صرف نظر از محتوای آنها مشترک می‌باشند. ارائه این مهارت‌ها در زمینه‌هایی غیر از مسائل زندگی امکان انتقال آنها را به زمینه‌ها و محیط واقعی زندگی روزمره ممکن می‌سازد. مهارت‌های زندگی "غیر مشترک یا خاص" آن نوع مهارت‌هایی هستند که ضمن اینکه می‌توانند به صورت مستقل و تحت عنوان درس مهارت‌های زندگی آموزش داده شوند امکان ارائه آنها در یک یا چند درس مشخص نیز وجود دارد (ادیب، ۱۳۸۲). لذا نظر به این که همه مهارت‌های زندگی اهداف و محتوای خود را از زندگی روزمره می‌گیرند بنابراین بهترین نوع سازماندهی آن خواهد بود که این مهارت‌ها در بافت، زمینه و مسائل روزمره زندگی آموزش داده شوند. با این وجود با توجه به

اصل انتقال یادگیری اگر این مهارت ها در رشته ها و دروس دیگر نیز ارائه شوند امکان انتقال آن به محیط واقعی زندگی میسر خواهد بود (همان منبع). با توجه به این که تصور می رود دانشجویان آشنا به حل مسئله علمی هستند ، و با عنایت به این که در خصوص ارتباط بین توانایی حل مسئله علمی افراد با مهارت های زندگی تفکر پیچیده از جمله حل مسئله، تصمیم گیری و تفکر خلاق تا کنون تحقیقی انجام نیافته است لذا این تحقیق به دنبال مطالعه ارتباط بین آنها در میان دانشجویان دانشگاه تبریز می باشد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجا که اصل آموزش و پرورش، آماده کردن افراد برای زندگی آینده است، هنوز با وجود تلاش هایی که در زمینه ارتقای سطح علمی دانشجویان انجام گرفته، اگر آموزش مهارت های زندگی و تقویت سواد عاطفی در برنامه های درسی گنجانده نشود و تغییری رخ ندهد چشم انداز آینده ی افراد در مورد مسائل زندگی و اجتماعی روز به روز غم انگیزتر خواهد شد (یار محمدیان، ۱۳۸۵). از اینرو برای مقابله با بسیاری از مشکلات و دشواری های زندگی که افراد به خصوص جوانان بدان روبرو می شوند ایجاد توانایی ها و مهارت های زندگی ضروری به نظر می - رسد (رضایی، ۱۳۸۸). انسان ها برای مقابله سازگارانه و موثر با استرس ها و موقعیت های مختلف پرکشمکش زندگی به توانایی هایی نیاز دارند. این توانایی ها به آدمی کمک می کند تا در رابطه با سایر انسان ها، جامعه، فرهنگ و محیط خود مثبت و سازگارانه عمل کنند . زندگی کردن نیاز به مهارت دارد و آنان که مهارت بیشتری دارند در زندگی موفق تر هستند (نعمتی سوگلی تپه، ۱۳۸۷). بنابر تحقیقات انجام گرفته (مورتوز و اکاموتو^۱، ۲۰۰۴، پالسون و جفریز^۲،

1- Mourtos & Okamoto

2-Palson & Jefries

۱۹۸۵، به نقل از گلاور و همکاران، ۱۳۷۷، رضایی و عباسی، ۱۳۸۸، رضایی، ۱۳۸۸، عابدینی، بلترک و محمدی زاد، ۱۳۸۸) امروزه بسیاری از دانشجویان در رویارویی با مسائل زندگی فاقد مهارت ها و توانایی های لازم و اساسی از جمله توانایی های حل مسئله، تصمیم گیری و تفکر خلاق می باشند. بنابر آمار و ارقام روز به روز بر تعداد دانشجویان در آموزش عالی افزود می شود. از آنجاییکه این دانشجویان در طول تحصیلات خود از فرآیند حل مسئله علمی استفاده می کنند، با این حال این افراد تحصیل کرده و آشنا به روش حل مسئله علمی برخی مواقع فاقد مهارت ها و توانایی های لازم در حل مسائل مربوط به زندگی خود می باشند. به عبارت دیگر این افراد نمی توانند این مهارت ها را به زندگی خود انتقال دهند. آموزش عالی به عنوان یک مقطع آموزشی مهم و حساس است که برون دادهای آن در نقش شهروندانی بزرگسال بلافاصله عهده دار مسئولیت های مهم اجتماعی خواهند شد. شاید این عقیده وجود داشته باشد که اگر بخشی از برنامه های درسی در دانشگاه ها در زمینه ی مهارت های زندگی باشد از بروز بسیاری از ناملایمات و ناهنجاری ها جلوگیری می شود و دانشجویان می توانند از روش حل مسئله ی علمی در مسائل مربوط به زندگی خود نیز استفاده کن ند. در جامعه ی ما شمار زیادی از افراد به خصوص جوانان مهارت های حل مسئله، تصمیم گیری و ... را یاد نگرفته اند، اگر این رفتارهای نابهنجار و اختلالات را ناشی از الگوهای نامناسب تربیتی بدانیم، اهمیت و ضرورت گنجاندن برنامه ی درسی مهارت های زندگی در دانشگاه ها روشن می شود (رضایی، عباسی، ۱۳۸۸). برنامه ریزان درسی در آموزش عالی به عنوان یکی از نظام های مهم اجتماعی و فرهنگی باید اقدامات لازم را در زمینه ی تدوین برنامه های درسی که بتواند این مهارت ها را بین دانشجویان پرورش دهد تدارک ببیند. به عبارت دیگر آموزش عالی از طریق برنامه های درسی و فضای فرهنگی دانشگاه می تواند در ارتقای آن و هم در تضعیف آن عمل نماید. بنابراین کسب مهارت های زندگی (تفکر خلاق، حل مسئله و تصمیم گیری) برای دانشجویان به عنوان

پویاترین اعضای جامعه، جهت ایفای نقش های آتی در محیط خانوادگی، شغلی و اجتماعی به عنوان انسانی سالم و موفق ضروری به نظر می رسد (نیک خواه و مرادی، ۱۳۸۷).

انجام این تحقیق از جهات زیر حائز اهمیت است:

۱- از نظر کاربردی نتایج آن اطلاعات ارزشمندی را در اختیار برنامه ریزان درسی، اساتید و دست اندرکاران نظام آموزش عالی قرار می دهد.

۲- از نظر مفهومی دست آوردهای مهمی را در خصوص اهمیت یادگیری ساختار روشی دانش در برنامه درسی و نیز ارتباط آن با مهارت های زندگی حل مسئله، تفکر خلاق، تصمیم گیری در پی دارد.

اهداف پژوهش

هدف کلی

هدف اصلی در این پژوهش عبارت است از تعیین رابطه توانایی حل مسئله علمی با مهارت های زندگی (تفکر خلاق، حل مسئله و تصمیم گیری) دانشجویان.

اهداف جزئی

۱- تعیین رابطه توانایی حل مسئله علمی با مهارت حل مسئله زندگی دانشجویان.

۲- تعیین رابطه توانایی حل مسئله علمی با مهارت تصمیم گیری دانشجویان.

۳- تعیین رابطه توانایی حل مسئله علمی با مهارت تفکر خلاق دانشجویان.

۴- تعیین تفاوت بین مهارت های زندگی (حل مسئله، تصمیم گیری، تفکرخلاق) و توانایی حل مسئله علمی دانشجویان بر اساس جنسیت.

۵- تعیین تفاوت بین حل مسئله علمی و مهارت های زندگی (حل مسئله، تصمیم گیری، تفکرخلاق) دانشجویان بر اساس رشته تحصیلی

سؤال های پژوهشی

۱- آیا بین توانایی حل مسئله علمی با مهارت زندگی حل مسئله دانشجویان رابطه وجود دارد؟

۲- آیا بین توانایی حل مسئله علمی با مهارت زندگی تصمیم گیری دانشجویان رابطه وجود دارد؟

۳- آیا بین توانایی حل مسئله علمی با مهارت زندگی تفکرخلاق دانشجویان رابطه وجود دارد؟

۴- آیا بین مهارت های زندگی و توانایی حل مسئله علمی دانشجویان بر حسب جنسیت تفاوت وجود دارد؟

۵- آیا بین حل مسئله علمی و مهارت های زندگی (حل مسئله، تصمیم گیری، تفکرخلاق) دانشجویان بر اساس رشته تحصیلی تفاوت وجود دارد؟

تعاریف مفهومی و عملیاتی

حل مسئله علمی: تعریف مفهومی: مهارتی است که طی آن فرد یک فرآیند تفکر منظم و منطقی را دنبال می کند. این فرآیند تفکر منظم و منطقی به فرد کمک می کند تا هنگام رویارویی با مشکل علمی راه حل های متعددی را جستجو کند و سپس بهترین راه حل را انتخاب کند (حاجی زاده و پرسته، ۱۳۸۸).